

به نام خدا

چکیده‌ای از متن جهت مطالعه شما در زیر آمده است.

در این نوشته تلاش کردیم که از طریق ریاضی، یک راه صحیح محاسبه برای تورم سالانه و تورم مرکب برای سالهای متمادی بدست بیاوریم. همچنین با استفاده از فرمول نظریه برابری قدرت خرید تلاش کردیم قیمت دلار را برای سالهای مختلف از جمله ۱۳۹۲ محاسبه کنیم. و نیز در مورد این نکته مهم که فرمول نظریه برابری قدرت خرید تنها در صورتی قدرت خرید مردم را می تواند حفظ نماید که درآمدهای مردم هم اندازه تورم افزایش پیدا کند. بنابراین پیشنهادها داده‌ایم که قیمت دلار متناسب با افزایش حقوق کارمندان و طبقه متوسط جامعه به نسبت سال ۸۴ که تقریباً بین ۲/۵ تا ۳ برابر شده، با استفاده از فرمول برابری قدرت خرید محاسبه شود. قیمت ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ تومان کمی بالاتر از کف قیمت محاسباتی ماست که به نظر من قیمتی عادلانه است و متناسب با توان خرید مردم است.

## نرخ عادلانه دلار ۱۸۰۰ تومان الی ۲۰۰۰ تومان است.

چندیست که اظهار نظرهایی در مورد قیمت واقعی نرخ ارز - دلار - در رسانه ها و سایت های خبری منعکس می شود. این سوال از روزی که آقای جمشید بسم الله تصمیم گرفت! قیمت دلار را تا ۴۰۰۰ تومان بالا ببرد در ذهن ها ایجاد شد، کارشناسان و اقتصاددانان زیادی در این باره اعلام نظر کردند. اما با پیروزی جناب آقای دکتر روحانی در انتخابات خرداد ۹۲ و سر کار آمدن دولت تدبیر و امید با توجه به وعده های ایشان در ایام انتخابات، مردم ایران این انتظار را داشتند تا نرخ ارز مقدار قابل قبولی کاهش یابد، اما اظهارات آقای سیف رییس محترم بانک مرکزی، مردم را تا حدودی مایوس کرد. در زمانی که نرخ ارز روندی نزولی داشت و حدود ۲۹۰۰ تومان بود ایشان گفتند که «نرخ فعلی دلار در بازار نرخ کف است و بیشتر از این پایین نخواهد آمد». و بعد معاون ارزی بانک مرکزی آقای کامیاب گفتند: «نرخ ارز اکنون به حدود ۲۹۰۰ الی ۳۰۰۰ هزار تومان رسیده که نرخ خوبی است». به این ترتیب نرخ ارز چند مدتی است که تقریباً روی همین قیمت ثابت مانده است. اما این موضوع با انتقادهای و اظهار نظرهای مختلفی از جانب اقتصاددانان و برخی کارشناسان و سایر شهروندان ایرانی مواجه شد که برای دلار نرخهایی مانند ۱۸۰۰ تومان، ۲۵۰۰ تومان، ۲۹۰۰ تومان و غیره اعلام می کردند. به عقیده من از میان نظراتی که بیان شدند نظرات چند شخص از جمله آقای دکتر عباس شاکری رییس دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی بسیار منطقی به نظر می رسید که موافق دلار ۱۸۰۰ تومانی بودند. همچنین آقای میر مطهری طی انتقاداتی به آقای سیف تذکر دادند که مسئولیت اصلی ایشان حفظ ارزش پول ملی است.

بنده در این نوشتار ابتدا در مورد نحوه محاسبه نرخ دلار بر حسب تومان با استفاده از فرمولی مشهور به «نظریه برابری قدرت خرید» تحلیلی ریاضی ارائه خواهم داد و فکر می کنم تنها با نگاهی جامع به مسائل می توان آنها را عادلانه و منصفانه حل نمود و دانش ریاضی قادر است چنین دیدگاهی را در اختیار قرار دهد. در ادامه، مسئله ای که به آن خواهم پرداخت این سوال است که نرخ «عادلانه» دلار چند است؟

در مقاله ای که با عنوان «نرخ واقعی دلار بر اساس فرمولهای علمی چقدر است؟» در روزنامه خراسان روز سه شنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۱ به چاپ رسیده مطالب بسیار مفیدی در مورد محاسبه نرخ ارز وجود دارد اما نویسنده محترم در یک قسمت با عنوان «اعداد باور نکردنی» مطابق فرمولی که یک اقتصاددان ارائه کرده نرخ دلار برای سال ۹۱ را محاسبه کرده است که واقعاً باور نکردنی هستند. ایشان می گویند «وقتی که از روش برابری قدرت خرید استفاده می کنم به عدد ۳۲۳/۰۷ ریال می رسم و از روش پولی به رقم ۵۶۹/۰۳ ریال. واقعاً باور نکردنی است. بر اساس این ۲ نظریه و با توجه به ۲ عامل اصلی تعیین کننده نرخ ارز در همه کشورها یعنی تورم و حجم نقدینگی، قیمت واقعی دلار در حال حاضر در کشور، باید حداکثر حدود ۵۷ تومان (۵۶۹/۰۳ ریال) باشد. ایشان در ادامه می گویند «جالب آن که این نظریات از توضیح علمی شرایط موجود در اقتصاد ایران ناتوان هستند!».

فرمولی که یک استاد اقتصاد در این مقاله ارائه می دهند اینگونه است: «طبق نظریه برابری قدرت خرید، شما باید نرخ تورم هر سال را از سال ۱۳۵۷ در ایران به دست آورید و آن ها را با هم جمع کنید و در صورت کسر بگذارید. سپس نرخ تورم هر سال آمریکا را از سال ۱۹۷۹ تاکنون به دست آورید و با هم جمع کنید و در مخرج کسر بگذارید. در نهایت نرخ ۷۰

ریال دلار را در سال ۱۳۵۷ در آن ضرب کنید. ایشان در بیان فرضیه دوم هم می گوید: نظریه دیگر، «نظریه پولی» است که همانند نظریه قبلی است. فقط به جای تورم باید درصد افزایش نقدینگی یا حجم پول را در فرمول قرار دهید.»

ضمن عرض پوزش به نظر بنده نحوه محاسبه تورم ها به این فرم در فرمول «نظریه برابری قدرت خرید» نادرست است و دلیل اینکه آقای نویسنده به اعداد باور نکردنی دست یافته‌اند همین است. اینکه ما برای محاسبه تورم کل در طول ۳۴ سال مثلاً در ایران نرخ تورم هر سال را باهم جمع کنیم به هیچ وجه معنی دار نیست و تورم کل را در ۳۴ سال به دست نمی‌دهد. مثال زیر اغراق آمیز بودن این نوع محاسبه را نشان می‌دهد.

**مثال اول:** فرض کنیم می خواهیم مطابق فرمول ارائه شده برای سالهای ۱۳۸۱ و ۱۳۸۲ نرخ ارز را محاسبه کنیم. مبنای سال ۱۳۸۰ می‌گیریم که در آن نرخ دلار ۸۰۱ تومان بوده است. تورم ایران در این سالها به ترتیب ۱۵/۸ درصد و ۱۵/۶ درصد می‌باشد. و تورم جهانی در این سالها به ترتیب ۳/۵ درصد و ۳/۷ درصد است. مجموع تورم ایران ۳۱/۴ و مجموع تورم جهانی ۷/۲ می‌شود. با تقسیم ۳۱/۴ بر ۷/۲ عدد تقریبی ۴/۳۶ بدست می‌آید که اگر آنرا در قیمت دلار در سال ۸۰ ضرب کنیم عدد ۳۴۹۲ تومان را داریم که نرخ محاسبه‌ای ما برای ارز در سال ۱۳۸۲ هست. البته که این محاسبه به دلیل فوق نادرست است.

### محاسبه نرخ تورم کل برای سالهای متمادی یا اعمال نرخ تورم در سالهای متمادی بر یک سال مبنا

وقتی گفته می‌شود که مثلاً امسال ۳۰ درصد تورم داشته‌ایم معنی‌اش این است که کالاها امسال نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد رشد قیمت داشته است. یعنی اینکه اگر قیمت یک کالا را در سال گذشته با ۳۰ درصدش جمع ببندیم یا قیمت کالا را ضرب در یک بعلاوه درصد تورم بکنیم قیمت امسال به دست می‌آید. حال کمی کلی‌تر نگاه کنیم. فرض کنیم در سال مبدأ قیمت کالا  $A_0$  بوده است. قیمت همان کالا یک سال بعد ( $A_1$ ) با اعمال تورم  $x_1$  برابر خواهد بود با

$$A_1 = A_0 + x_1 A_0 = A_0(1 + x_1)$$

قیمت برای سال دوم یعنی  $A_2$  با تورم  $x_2$  برابر خواهد بود

$$A_2 = A_1 + x_2 A_1 = A_1(1 + x_2)$$

که با جایگذاری  $A_1$  با استفاده از فرمول اول داریم

$$A_2 = A_0(1 + x_1)(1 + x_2)$$

قیمت برای سال سوم یعنی  $A_3$  با تورم  $x_3$  برابر خواهد بود

$$A_3 = A_2 + x_3 A_2 = A_2(1 + x_3)$$

که با جایگذاری  $A_2$  با استفاده از فرمول سوم داریم

$$A_3 = A_0(1 + x_1)(1 + x_2)(1 + x_3)$$

همانطوریکه مشاهده می‌کنید با ادامه این فرمول بازگشتی برای سال  $n$  ام خواهیم داشت

$$A_n = A_0(1 + x_1)(1 + x_2)(1 + x_3) \dots (1 + x_n)$$

مثال دوم : فرض کنیم قیمت یک کالا در سال ۱۳۸۰، مبلغ ۴۰۰۰ تومان باشد اگر تورم سال ۸۱ تا ۸۴ به ترتیب برابر با ۱۵/۸، ۱۵/۶، ۱۵/۲ و ۱۰/۴ باشد، قیمت همان کالا در سال ۸۴ چقدر است؟

$$\begin{aligned} A_{84} &= A_{80}(1+x_{81})(1+x_{82})(1+x_{83})(1+x_{84}) \\ &= 4000 \times (1.158) \times (1.156) \times (1.152) \times (1.104) \\ &\approx 4000 \times (1.702) = 6808 \end{aligned}$$

و حالا حل صحیح مثال اول :

فرمولی که ما از راه ریاضی آن را بدست آوردیم بسیار واضح است و افزایش قیمت را برای سالهای متممادی محاسبه می کند. در فرمول «برابری قدرت خرید» کسری که در صورت آن تورم ایران و در مخرجش تورم آمریکا هست نشانگر میزان تورم ایران نسبت به تورم آمریکاست. (به زبان ساده یعنی اینکه بر اثر تورم موجود در ایران و آمریکا، پول ما نسبت به پول آمریکا چند برابر متورم شده است).

اگر  $a_n$  را نرخ تورم ایران و  $b_n$  را نرخ تورم جهانی و  $D_0$  قیمت دلار در سال مبدأ و  $D_n$  قیمت دلار در سال مورد نظر باشد فرمول «نظریه برابری قدرت خرید» به فرم زیر است :

$$D_n = \frac{a_n}{b_n} \times D_0$$

برای محاسبه نرخ دلار در سال ۱۳۸۲ داریم :

$$D_{1382} = \frac{(1.158) \times (1.156)}{(1.035) \times (1.037)} \times D_{1380} \approx \frac{1.3386}{1.0733} \times 801 \approx 999$$

رقم تقریبی ۹۹۹ تومان برای دلار قیمتی است که اگر مطابق فرمول عمل می شد می باید اعمال می شد اما قیمت دلار در آن سال ۸۷۵ تومان بوده است. این مسئله نشانگر این است که دولت می خواسته تورم خرید مردم را بالا ببرد و ارزش پول کشور را در مقابل دلار و ارزهای خارجی بالا ببرد که اینکار مزایا و معایب خود را دارد و با توجه به شرایط اقتصادی کشور می تواند مفید و یا مضر باشد.

حل مسئله قیمت دلار با استفاده از فرمول برابری قدرت خرید با سال مبنای ۵۷ که قیمت دلار در آن ۷۰ ریال بوده است :

$$D_{1391} = \frac{a_{34}}{b_{34}} \times D_{1357}$$

مطابق قاعده بالا  $a_{35} = 380.5535$  خواهد بود که نشانگر تورم ایران در سالهای ۵۷ تا ۹۱ هست و  $b_{35} = 3.3709$  که نشانگر تورم آمریکا در همان سالهاست. (این دو عدد با استفاده از آمار بانک مرکزی برای تورم ایران و آمار ارائه شده در آدرس اینترنتی [www.forecast-chart.com](http://www.forecast-chart.com) بوسیله نرم افزار *Excel* محاسبه شده است).

$$D_{1391} = \frac{a_{34}}{b_{34}} \times D_{1357} = \frac{380.5535}{3.3709} \times 70 \approx 7902.615$$

که پاسخ عدد ۷۹۰۰ ریال یا هفتصد و نود تومان است. همانطوری که دانشمندان علم اقتصاد اذعان دارند، در این نوع محاسبه سال مبنا در محاسبات بسیار تاثیر گذار است و اگر مبنا را سال دیگری قرار دهیم عدد دیگری بدست خواهد آمد.

۴ نرخ قابل محاسبه و جاری دلار در برابر ریال						
سال	دلار دولتی (تومان)	دلار آزاد (تومان)	قیمت دلار بر اساس شاخص برابری قدرت خرید (تومان)	تورم ایران (درصد)	تورم جهانی (درصد)	برآورد قیمت دلار بر اساس مابه التفاوت نرخ تورم داخلی و جهانی (تومان)
۱۳۸۰	۱۷۵	۸۰۱	۱۴۵	۱۱٫۴	۴٫۲	-
۱۳۸۱	۷۹۵	۸۰۲	۱۸۱	۱۵٫۸	۳٫۵	۹۰۰
۱۳۸۲	۸۲۸	۸۳۳	۲۰۲	۱۵٫۶	۳٫۷	۱۰۰۷
۱۳۸۳	۸۷۱	۸۷۵	۲۳۸	۱۵٫۲	۳٫۶	۱۱۲۴
۱۳۸۴	۹۰۲	۹۰۴	۲۶۷	۱۰٫۴	۳٫۷	۱۲۰۰
۱۳۸۵	۹۱۹	۹۲۳	۲۹۶	۱۱٫۹	۳٫۷	۱۲۹۸
۱۳۸۶	۹۲۸	۹۳۶	۳۴۷	۱۸٫۴	۴٫۰	۱۴۸۴
۱۳۸۷	۹۵۷	۹۶۷	۳۹۷	۲۵٫۴	۶٫۰	۱۷۷۲
۱۳۸۸	۹۸۳	۹۹۸	۴۰۳	۱۰٫۸	۲٫۵	۱۹۲۰
۱۳۸۹	۱۰۳۶	۱۰۴۴	۴۵۶	۱۲٫۴	۳٫۷	۲۰۸۷
۱۳۹۰	۱۱۰۰	۱۳۶۳	۵۵۱	۲۱٫۵	۴٫۸	۲۴۳۵
بهار ۹۱	۱۲۲۶	۱۷۵۹	۶۳۲	۲۲٫۵	۴٫۰	۲۸۸۴

\* جدول (۱) برگرفته از روزنامه خراسان که مبتنی بر آمار بانک مرکزی است.

حال در محاسبه دیگری به منظور اعمال نرخ تورم سالهای ۸۵ تا ۹۰، قیمت دلار را که در سال ۱۳۸۴ برابر ۹۰۴ بوده در نظر می گیریم. با توجه به جدول (۱) و استخراج تورم ایران و جهان برای سالهای مذکور و با استفاده از فرمول فوق داریم:

$$D_{1390} = \frac{a_8}{b_8} \times D_{1384} = \frac{2.5140}{1.2734} \times 904 = 1785$$

همانطوری که مشاهده می کنید اگر در سال ۸۴ قیمت دلار ۹۰۴ تومان بوده با توجه به روش برابری قدرت خرید قیمت دلار در سال ۱۳۹۰ می بایست ۱۷۸۵ تومان می بود. اما با توجه به جدول (۱) قیمت دلار در سالهای ۸۴ تا اواسط ۹۰ تفاوت چندانی نکرد. این مسئله هر چند در کوتاه مدت به نفع مصرف کننده ها بود اما موجب زیان و ورشکستگی بسیاری از صنایع و کارخانجات شد، اقتصاد کشور به سمت مصرف زدگی حرکت کرد و بازارهای ایران پر از کالاهای بنجل و ارزان قیمت کشوری مثل چین شد، کشاورزی آسیب دید و کشور ایران برای توریستها کشوری گران به حساب آمد و مسافرت به کشور ما برای توریستهای خارجی پرهزینه شد و برعکس این مسئله برای ایرانیانی که می خواستند به خارج مسافرت کنند به پیش آمد، یعنی مسافرت به خارج کم هزینه شد و حتی گاهی اوقات از مسافرتها داخلی هم کم هزینه تر شد و این مسئله موجب شد تا در عید نوروز سالانه میلیونها ایرانی به کشورهایی مانند ترکیه مسافرت کنند و میلیاردها دلار ارز از کشور خارج کنند و نیز مسایل عدیده دیگری بوجود آمد و زمینه برای کشورهای مستکبر فراهم شد تا بتوانند ایران را تحریم کنند. اگر دولت در آن زمان که روزگار درآمدهای افسانه ای نفت بود سیاستهای ارزی مناسبی در پیش می گرفت امروز مطمئناً اینهمه مشکل بوجود نمی آمد.

نکاتی راجع به فرمول برابری قدرت خرید

اساساً این فرمول زمانی قدرت خرید مردم را حفظ می کند که دولتمردان همگام با افزایش نرخ تورم تلاش کنند که به همان میزان درآمدهای مردم را بالا ببرند. مثلاً اگر در یک سال ۲۰ درصد تورم اتفاق افتاده حقوق کارمندان هم ۲۰ درصد افزایش پیدا کند و همچنین تمهیداتی برای افزایش درآمد سایر اقشار جامعه مخصوصاً طبقات فرودست جامعه اندیشیده شود. مطابق این فرمول قیمت ارز خارجی با توجه به مقدار تورم جهانی، به اندازه افزایش تورم داخلی، افزایش پیدا نمی کند و به همین دلیل این روش، برابری قدرت خرید نامیده می شود. اما اگر در جامعه ای مانند کشور ما تورم ۲۰ و ۳۰ درصدی پیش بیاید و حقوق کارمندان ۱۰ یا ۱۵ درصد افزایش پیدا کند و همچنین طبقات فرودست جامعه و اقشار متوسط جامعه نتوانند به اندازه تورم درآمدهای خود را افزایش دهند آیا باز هم این فرمول ضامن برابری قدرت خرید خواهد بود؟ پاسخ من به این سوال نه هست. در حقیقت این فرمول زمانی که درآمدهای کل مردم همزمان با افزایش نرخ تورم افزایش نمی یابد قاعده‌ای برای کم اثر کردن نقدینگی و پولهایی است که در دست مردم است. همان اتفاقی که در کشور ما پیش آمده است. جدول زیر افزایش ۸ ساله حقوق کارمندان را نشان می دهد.

سال	میزان افزایش حقوق (درصد)	نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی (درصد)
۱۳۸۴	۷/۸	۱۰/۱
۱۳۸۵	۱۴/۵	۱۱/۹
۱۳۸۶	۴/۸	۱۸/۴
۱۳۸۷	۷/۳	۲۵/۴
۱۳۸۸	۱۸/۳	۱۰/۸
۱۳۸۹	۶	۱۲/۴
۱۳۹۰	۱۰	۲۱/۵
۱۳۹۱	۱۵	برآوردی ۳۲ درصد
۱۳۹۲	۲۰ (پیشنهاد)	؟

\* جدول (۲) برگرفته از خبرگزاری مهر - کد خبر: ۲۰۰۵۱۱۹ تاریخ مخابره: ۱۳۹۱/۱۲/۶

با توجه به این واقعیات یکبار دیگر مسئله نرخ ارز را بررسی می کنیم و این سوال که قیمت دلار چقدر باید باشد؟

فکر می کنم به این پرسش به سه راه می توان پاسخ داد.

**پاسخ اول:** قیمت دلار باید به اندازه‌ای باشد که در توان دولت است. واقعیت های اقتصادی امروز جامعه ما آنگونه که آقای رییس جمهور در دانشگاه تهران گفته اند متأسفانه کمی زیاده تلخ است. خزانه خالی، تحریم های ناعادلانه و کسری بودجه سال ۹۲ و سایر مشکلاتی که توان دولت را برای کاهش نرخ ارز می گیرد. در اینصورت است که ما هیچ راهی به جز تحمل این وضعیت نداریم و قیمت فعلی تا زمانی که این مشکلات ادامه دارد اجباراً باید باقی بماند. شاید اظهار نظر آقای سیف در این راستا بوده است. اما اگر چنین مسائلی وجود ندارند و یا کم اثر هستند و یا راه حلهای دیگری برای رفع آنها وجود دارند که اقتصاددانان کشور مطرح می کنند، پس باید دولت محترم مخصوصاً رئیس محترم بانک مرکزی در برابر منتقدین پاسخگو باشند.

**پاسخ دوم:** قیمتی که ما دلمان می خواهد. برای هر دلار از ۶۰۰ تومان گرفته تا ۱۰۰۰ تومان یا ۱۲۰۰ تومان. واقعیت این است که ما در طول ۸ سال گذشته ثمره چنین تصمیماتی را چشیدیم، کارخانه هایمان نابود شدند، کارگراها بیکار و افراد جویای کار نا امید. مهمتر اینکه به نظر می رسد هیچ راهی برای برگشت به آن روزها وجود ندارد و ما باید با این مسئله واقع بینانه برخورد کنیم.

**پاسخ سوم:** قیمتی که عادلانه باشد. نرخی که هم امکان رقابت تولید کنندگان ایرانی را با محصولات خارجی فراهم کند و هم توان خرید مصرف کنندگان را حفظ کند. هم چرخ کارخانه ها بچرخد و هم چرخ زندگی مردم. هم صادر کنندگان راضی باشند و هم وارد کنندگان. هم رانت خوری یک طبقه نباشد و هم فشار زاید الوصف طبقه دیگر. واقعاً آیا چنین راه حلی وجود دارد؟ اقتصاددانان عزیز کشورمان بهتر می توانند به این پرسش پاسخ بگویند.

اما پیشنهاد من این است که با توجه به اینکه توان خرید کارمندان که طبقه متوسط جامعه هستند و شاخص خوبی برای کل جامعه می باشند، حدود ۲/۵ برابر نسبت به سال ۸۴ افزایش یافته و سایر طبقات متوسط جامعه هم تقریباً به همین اندازه ۲/۵ الی ۳ برابر، افزایش توان خرید داشته اند و مبنای قرار دادن سال ۸۴ - برای اینکه توان خرید مردم برابر آن سال شود - و با توجه به فرمول برابری قدرت خرید قیمت دلار ۱۸۰۰ الی ۲۰۰۰ تومان تعیین شود. (۲/۵ یا ۳ را تقسیم بر عدد ۱.۳۶ که مقدار تورم جهانی برای سالهای ۸۵ تا ۹۲ است تقسیم کرده در ۹۰۴ تومان ضرب می کنیم).

پیشنهاد دوم اینکه از این به بعد سالانه به ازای افزایش نرخ تورم - البته توام با افزایش درآمدهای مردم به اندازه میزان تورم - با همان فرمول برابری قدرت خرید، قیمت ارز هم افزایش پیدا کند. اینکار موجب حفظ توان رقابت تولیدکنندگان داخلی با محصولات خارجی شده و سایر مزایا را هم خواهد داشت. البته فکر می کنم دولت ترکیه هم چنین سیاست ارزی را دنبال می کند.

در جدول زیر قیمت دلار بر اساس فرمول برابری قدرت خرید برای سالهای ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۲ محاسبه شده است. همچنین برآوردی بر اساس میزان افزایش حقوق کارمندان که در شرایط مطلوب می تواند برابر با نرخ تورم باشد، صورت پذیرفته است. این عمل موجب حفظ توان خرید مردم می شود و در شرایط کنونی جامعه قیمتی عادلانه برای نرخ ارز به دست می دهد. (تورم ایران برای سال ۱۳۹۲ یعنی ۳۲ درصد بر اساس یک پیش بینی هست و تورم جهانی نیز عمده‌اً ۲/۵ در نظر گرفته شده تا بالاترین حد برای قیمت دلار به دست آید).

سال	تورم ایران (درصد)	تورم جهانی (درصد)	دلار آزاد (تومان)	برآورد قیمت دلار بر اساس «فرمول برابری قدرت خرید» (تومان)	میزان افزایش حقوق کارمندان (درصد)	برآورد قیمت دلار بر حسب افزایش حقوق و فرمول برابری (تومان)
۱۳۸۴	۱۰/۴	۳/۷	۹۰۴	-	۷/۸	-
۱۳۸۵	۱۱/۹	۳/۷	۹۲۳	۹۷۵	۱۴/۵	۹۹۸
۱۳۸۶	۱۸/۴	۴	۹۳۶	۱۱۱۱	۴/۸	۱۰۰۶
۱۳۸۷	۲۵/۴	۶	۹۶۷	۱۳۱۴	۷/۳	۱۰۱۸
۱۳۸۸	۱۰/۸	۲/۵	۹۹۸	۱۴۲۰	۱۸/۳	۱۱۷۵
۱۳۸۹	۱۲/۴	۳/۷	۱۰۴۴	۱۵۳۹	۶	۱۲۰۱
۱۳۹۰	۲۱/۵	۴/۸	۱۳۶۳	۱۷۸۵	۱۰	۱۲۶۱
۱۳۹۱	۳۰/۵	۴	۱۷۵۹	۲۲۳۹	۱۵	۱۳۹۴
۱۳۹۲	۳۲	۲/۵	+۳۰۰۰	۲۸۸۴	۲۰	۱۶۳۲

در انتها معروض می دارم که موضوع مهمی که به سادگی از این محاسبات می توان استنباط کرد این است که اگر قیمت‌ها تحت تاثیر افزایش غیر مترقبه نرخ ارز چند برابر شود یک شکاف طبقاتی شدید ایجاد می شود و به راحتی میتوان گفت که قیمت نیازها و نداشته‌های کارگران و کارمندان و طبقات متوسط جامعه چند برابر می‌شود و ارزش داشته‌های طبقات مرفه جامعه هم چند برابر می شود و این همان اختلاف طبقاتی شدید است. که البته این مساله با آرمانهای والای جمهوری اسلامی که در قانون اساسی تبلور یافته مغایرت دارد.

انتظار ملت شریف و جوانان شایسته ایران از دولت تدبیر و امید و از وزرای محترم اقتصادی مخصوصاً آقای دکتر طیب نیا که از اساتید مسلم علم اقتصاد می باشند این است که در طول مدتی که مسولیت هدایت دولت را دارند، اقتصادی سالم برپایه عدالت و اصول مصرح قانون اساسی مانند اصل سوم بند دوازده پایه گذاری کنند تا امکان فراهم آوردن روزی حلال و زندگی شرافتمندانه برای همه میسر باشد.